



## مردم باید کارهای خود را با جامعه متدینین تنظیم کنند

محسن اسماعیلی در جلسه شرح نهج البلاغه گفت: انسان نباید هنجارهای جامعه دینی را بشکند. امام علی(ع) می فرماید در انجام کارها خودت را با جامعه متدینین تنظیم کن.

محسن اسماعیلی در جلسه شرح نهج البلاغه گفت: انسان نباید هنجارهای جامعه دینی را بشکند. امام علی(ع) می فرماید در انجام کارها خودت را با جامعه متدینین تنظیم کن.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گزارش جلسه شرح نهج البلاغه دکتر محسن اسماعیلی استاد دانشگاه امام صادق(ع) در مجموعه فرهنگی شهدای هفتم تیر(سرچشمه) است که از نظر شما می گذرد.

بحث درباره نامه ۶۹ نهج البلاغه بود و این جمله که: «وَاحِدَرُ كُلِّ عَمَلٍ إِذَا سئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اعْتَدَرَ مِنْهُ». از انجام دادن هر کاری که اگر از صاحب آن سوال کنند، به «انکار» یا «اعتذار» می افتی، اجتناب کن. عرض شد که انکار یا عذرخواهی برای یک کار به معنی پذیرش زشت بودن آن کار است و عقل عملی انسان حکم می کند که کار زشت را نباید مرتکب شد. همچنین عرض شد که انکار از اعتذار بدتر است؛ چون انکار کردن نشانه این است که عامل یا قبح عمل را باور ندارد و یا اگر قبح آن را قبول دارد، قصد ترک کردن آن را ندارد. انکار نشانه اصرار است.

در جلسه گذشته سه دلیل عرض شد برای آنکه انسان عاقل نباید کاری کند که مجبور به عذرخواهی شود: کار قبیح را، ولو اینکه گناه نباشد، نباید انجام داد. کار قبیح موجب صدمه دیدن کرامت نفس انسان می شود. انسان عذرخواه باید در مقابل طرف مقابل گردن کج کند و این باعث سلطه یافتن آن فرد بر شخص عذرخواه می شود در حالی که انسان موحد فقط باید در مقابل پروردگار گردن کج کند (نکته توحیدی).

اما علت چهارم برای مطلب بالا باقی ماند که این جلسه می گوئیم که جنبه اخلاقی دارد: اعتذار اگر به صورت عادت در بیاید، به این معنی است که کار بد تکرار شده است. در روایات داریم که اگر یک کار بد را مرتکب شدی و پوزش طلبیدی، برای یک کار بد مدام پوزش طلبی نکن. چند بار عذرخواهی نکن. در روایات نهی شده است. اما اگر مدام کار بد کنیم و عذرخواهی کنیم و مجدداً کار بد کنیم و باز عذرخواهی کنیم، این نشانه «نفاق» است. از همین رو گفته اند که نگذارید به عمل زشت و عذرخواهی و عمل زشت و عذرخواهی و... عادت کنید.

چرا این نشانه نفاق است؟ چون اگر انسان واقعا عذرخواهی کند، یعنی از قبح آن عمل آگاه است. از طرف دیگر، اعتذار دشوار است و انسان را ذلیل می کند. کسی که مومن است و می داند که عذرخواهی موجب شکست عزت او و سلطه روحی دیگری بر اوست و اعتقاد توحیدی او را آسیب می زند؛ کار بد را تکرار نمی کند. اگر تکرار کرد، یعنی عذرخواهی اش صادقانه نیست یا زشتی کار را باور ندارد یا سختی عذرخواهی را.

در روایتی از امام حسین(علیه السلام) شبیه جمله امیرالمومنین(ع) نقل شده است: «ایاک وما تعتذر منه، فان المؤمن لایسیء ولا یعتذر، والمانفق کل یوم یسیء و یعتذر»؛ کاری نکنید که مجبور به عذرخواهی از آن شوید، چرا که مومن نه بدی می کند و نه عذرخواهی اما منافق مرتب بدی می کند و مرتب عذرخواهی می کند (چون عقیده و عملش یکی نیست). باید مراقب باشیم تا گرفتار اعمالی نشویم که ما را مجبور به اعتذار می کند و ما را دچار خصلت زشت نفاق هم می کند.

در خطبه سوم نهج البلاغه، خطبه شفشقیه، که امیرالمومنین(ع) از هر سه خلیفه انتقاد می کنند؛ انتقادشان از خلیفه دوم این است که «و یكثر العثار فیها والاعتذار منها»؛ ایراد ایشان این بود که مرتب خطا و مرتب عذرخواهی می کرد. این خصلت او معروف است و اهل سنت هم نقل کرده اند. مرحوم علامه امینی ۱۰۰ مورد را از منابع اهل سنت در الغدیر گردآوری کرده است که او خطا می کرد و عذرخواهی می کرد.

راجع به این جمله سه نکته مهم عملی وجود دارد: نکته یک. عرض شد که «المعذره برهان العقل»؛ پوزش طلبی نشانه عقل است. یعنی فرد می فهمد که کار اشتباهی انجام داده. اما روایتی هم جلسه قبل داشتیم که می فرمود از کار خوب نباید عذرخواهی کرد. از کنار هم گذاشتن این دو دسته روایت یک رهنمود اخلاقی به دست می آید و آن اینکه «انسان مراقب باشد و بداند همان طور که اعتذار نشانه عقل است، عذرخواهی بی دلیل هم نشانه بی عقلی است». انسان نباید بیخود از کسی عذرخواهی کند؛ یا بدتر از آن برای آن کاری که انجام دادنش وظیفه او بوده، عذرخواهی کند. گاهی هست که دیگران از اینکه انسان وظیفه شرعی اش را انجام داده دلگیر می شوند و این شخص از کارش عذرخواهی می کند. این نه تنها حسن و کمال نیست که نشانه ضعف ایمان است.

ما مجوز نداریم به اسم تواضع یا برای به دست آوردن دل دیگران، آبروی ایمانی و عزت خودمان را بیخود هزینه و صرف کنیم. از کاری که زشت نبوده، نباید عذرخواهی کرد. مگر اینکه مصلحت بزرگی در کار باشد؛ مثلاً خاتمه دادن به یک دعوا یا ... انسان باید مراقب باشد به خاطر انجام کار خوب، عذرخواهی نکند؛ زیرا آن تالی فاسدها را دارد و بدتر از آن ممکن است باعث تبدیل معروف به منکر و یا منکر به معروف شود. به تدریج انجام وظیفه شرعی زشت تلقی شود و آدم ها مجبور شوند به سبب انجام وظیفه شرعی شان عذرخواهی کنند. این خطری بزرگ است. اگر وظیفه شرعیمان را انجام دادیم، ولو اینکه همه ناراضی و دلگیر

شوند، باید به کارمان افتخار کنیم نه اعتذار. این بالاترین افتخار است که وقتی دیگران از وظیفه شرعی شان سر باز می زنند، انسان عامل به وظیفه است.

علی علیه السلام می فرمایند: «لا تعتذر من أمر أظعت الله سبحانه فيه، فكفى بذلك منقبة»؛ مبدا به سبب اطاعت فرمان خدا عذرخواهی کنی، چراکه این افتخار برایت بس که کاری کرده ای که اطاعت خدا محسوب می شود. در نامه خواندنی و زیبای ۲۸ نهج البلاغه، که به معاویه است و سید رضی می گوید از زیباترین نامه های امیرالمومنین است (وهو من محاسن الكتب)، حضرت یک موردی را راجع به خودشان نقل می کنند: «ثم ذكرت ما كان من امری و امر عثمان فلک ان تجاب عن هذه لرحمک منه، فاینا کان اعدی له و اهدی الی مقاتله أمن بذل له نصرته فاستقعده و استکفه؟ ام من استنصره فتراخی عنه و بث المنون الیه حتی اتی علیه؟! کلا و الله لـ«قَدْ عَلِمَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنكُمُ الْفَاقِلِينَ لِأَخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا؛ وَ لَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا» و ما کنت لاعتذر من انی کنت انقم علیه احداثا فان کان الذنب الیه ارشادی و هدایتی له فرب ملوم لا ذنب له و قد یستفید الظنه المنتصح و ما اردت الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت»؛ (معلوم می شود که معاویه قبلا نامه ای نوشته به حضرت و درباره قتل معاویه مطالبی گفته و گفته که حضرت در قتل عثمان مشارکت داشته است.

در حالی که همه می دانستند امیرالمومنین(ع) به خلیفه سوم انتقادهای زیادی دارد و علنی هم مطرح می کند ولی راضی به آن اتفاق نبودند و حسنین علیهماالسلام را فرستاده بودند تا مانع قتل عثمان شوند. حضرت می فرمایند: راجع به رابطه من و عثمان نوشته ای ولی من نباید پاسخ بدهم. تو باید پاسخگو باشی. خودت بگو! کدام یکی از ما دشمن عثمان بود و مقدمات قتل او را مهیا کرد؟ آیا من قاتل او هستم که تا توانستم کمکش کردم و گفتم سر جایش بنشیند و آن کارها را نکند، یا آن کسی که عثمان از او کمک خواست ولی آنقدر امروز و فردا کرد که مرگ را به سوی عثمان فرستاد؟ سپس حضرت به آیه کریمه استناد کردند و فرمودند خدا بهتر می داند چه کسی در هنگام سختی و خطر خودش را کنار می کشد و به اطرافیانش هم می گوید که نروند و طرف او بروند؛ و کم هستند کسانی که هنگام سختی و مصیبت و جنگ وارد میدان می شوند (تا اینجا حضرت جواب ایراد و انتقاد معاویه را دادند و بعد می فرمایند: من کسی نیستم که به خاطر انتقادهایی که کردم عذرخواهی کنم. انتقاد کردن وظیفه شرعی ام بود. منکر نمی شوم. عذرخواهی هم نمی کنم. به خاطر بدعت ها و خلاف شرع هایش انتقاد کردم. چرا عذرخواهی کنم؟ اگر گناه من این است که او را ارشاد می کرده ام، این گناه را قبول دارم. چه بسیار کسانی که سرزنش می شوند، در حالی که بی گناه هستند. سپس حضرت به این شعر از شاعر عرب استناد کردند که واقعا دل انسان می سوزد: «وَقَدْ يَسْتَفِيدُ الظُّمَّةَ الْمُتَّصِحْحُ؛ گاهی آدم آنقدر خیر کسی را می خواهد و برای هدایتش حرص می خورد که به او شک می کنند».

نکته دو. خوب دقت کنید. من این نکته را جایی ندیده ام. امیرالمومنین(ع) به حارث همدانی نوشته اند: «واحدٌ کلَّ عَمَلٍ إِذَا سئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اعْتَدَرَ مِنْهُ»؛ بپرهیز از هر کاری که انجام دهنده اش، حاضر نیست مسئولیت آن را قبول کند. یا انکار می کند یا عذرخواهی. اما در نامه ۳۳ تعبیر حضرت متفاوت است: «إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدَرُ مِنْهُ»؛ بپرهیز از هر کاری که از آن عذرخواهی می شود. تفاوت در چیست؟ در بیان اول، خطاب به حارث همدانی است. می فرمایند از کاری که «صاحبش» را مجبور به عذرخواهی می کند بپرهیز. در نامه دوم می فرمایند از کاری که «همه» از آن عذرخواهی می کنند بپرهیز. در روایات مربوط به عذرخواهی هم هر دو تعبیر فراوان است. در بعضی از آنها از «يُعْتَدَرُ مِنْهُ» استفاده شده و در برخی هم از «تَعْتَدَرُ مِنْهُ». یک فرق لطیف و ظریف بین این دو تعبیر هست. «يُعْتَدَرُ مِنْهُ» یعنی آن کارهایی که معمولا و عرفا «همه» از آن عذرخواهی می کنند. ملاک، عرف و عموم مردم است. اما وقتی می گوید کاری را ترک کن که «تَعْتَدَرُ مِنْهُ»، ملاک، عرف و عموم مردم نیست. ملاک، شخص جنابعالی هستی. ممکن است اگر کاری را اگر شما انجام دهی مجبور به عذرخواهی شوی؛ ولی برای دیگران عذرخواهی لازم نباشد؛ حتی ممکن است تشویق هم بشوند. کار خوب دیگران ممکن است برای شما، به دلیل موقعیت اجتماعی ات، بد تلقی شود و مجبور به عذرخواهی باشی؛ «حسنات الابرار، سيئات المقربين».

در این نامه از این عبارت دوم استفاده شده است؛ چون حارث همدانی با بقیه مردم فرق می کند. کسی مثل حارث همدانی که منتسب به دین است و رفتارش به نام دین تمام می شود؛ نه تنها از کارهایی که اگر هرکسی مرتکب شود، باید عذرخواهی کند؛ باید پرهیز کند؛ بلکه کارهایی هم هست که از او عیب خواهند گرفت و او باید از آنها اجتناب کند. چون به نام دین تمام می شود. برای همین امام رضوان الله تعالی علیه می فرمودند که روحانیون باید از برخی مباح ها هم اجتناب کنند؛ چون کار آنان به پای دین نوشته می شود. در یکی از بیاناتشان فرمودند: «اگر ما یک کاری بکنیم که اسلام در نظر دنیا لکه دار بشود، این جرم از جرمهایی است که بخشیدنی نیست، قابل جبران نیست. غیر از این است که ما خودمان «بینی و بین الله» یک خلاقی بکنیم، خوب، این را توبه می کنیم تمام می شود؛ اما اگر اسلام را ما در دنیا طوری جلوه بدهیم که این رژیم هم محمدرضایی است، این آخوند هم همان کاری را می کند که آن سرهنگ آن وقت می کرد، این پاسدار اسلامی مسلمان هم همان کاری را می کند که آن سازمان امنیتی و مأمور سازمان امنیتی می کرد، این اسباب این می شود که مکتب ما آلوده بشود؛ آن مکتبی که اولیای خدا خونشان را دادند برای حفظش... اگر ما در رژیم سابق یک اشتباه و خطائی می کردیم «پای اسلام» حساب نمی شد، نمی گفتند دولت اسلامی کذا. می گفتند در دولت طاغوت واقع شده. امروز که اسلام است، اگر چنانچه یک خطائی واقع شود، فرم این خطا با خطای سابق فرق دارد، پای اسلام حساب می شود، و این مسئولیت بزرگی است بر عهده ما»

بنابراین هرکسی که در چشم مردم نقش آموزگاری دارد باید مراقب باشد. مرحوم استاد در درسهای تربیت بارها فرمودند مربیگری از عناوین قصیده نیست. بخواهی یا نخواهی، اگر مردم به چشم یک مربی به تو نگاه می کنند باید مراقب باشی. یک بار در درسهای اخلاق در مدرسه مروی می فرمودند مردم امام صادق علیه السلام را که ندیده اند؛ به امام زمان علیه السلام که دسترسی ندارند؛ خیال می کنند آنها هم مثل من هستند. کارهای من به حساب آنها هم نوشته می شود. انسان خیلی باید

مراقب باشد. باید موقعیت ویژه خودمان را در نظر بگیریم و کاری که خلاف شأن ماست نکنیم. نکته سه. مبادا این توصیه امیرالمومنین(ع) به حارث همدانی صرفاً یک توصیه شخصی و فردی تلقی شود. بپرهیز از کاری که اگر انجام دهی تو را مجبور به عذرخواهی می کند؛ هم در زندگی فردی و شخصی و هم در زندگی سیاسی و اجتماعی. مسئولان و زمامدارانی که ادعای پیروی از امیرالمومنین(ع) دارند، در سیاست ورزی و مدیریت، کاری نکنند که وقتی فاش شد مجبور شوند انکار کنند یا عذرخواهی. آن کسی که ادعا می کند سیاستمدار و مدیر علوی است باید تمام استعدادش را برای انجام دادن هرچه بهتر وظیفه اش به کار گیرد تا در مقابل افکار عمومی شرمنده نشود.

این جمله را حضرت علاوه بر حارث همدانی، که برخی گفته اند از کارگزاران امیرالمومنین(ع) هم بوده است، در جای دیگر صریحاً به کارگزاران خود می فرمایند و توصیه ای سیاسی و حکومتی می کنند؛ از جمله در نامه ۳۳. این نامه خطاب به شخصی به نام «قثم ابن عباس»، پسرعموی پیامبر(ص) و امیرالمومنین(ع) است. مرد شریف و عزیز است. در زمان حکومت امیرالمومنین(ع) مدتی والی مدینه و سپس والی مکه بود. در زمانی که والی مکه بود، به امیرالمومنین(ع) خبر رسید که معاویه گروهی را مامور کرده تا در ایام حج بین مردم باشند و ببینند اگر فرصت فراهم شد ناگهان براندازی کنند و حکومت را از او بگیرند.

حضرت نامه ای به قثم ابن عباس نوشتند و فرمودند: «فَاقِمْ عَلَيَّ مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ»؛ مسئولیتی که به عهده گرفته ای را مانند شخصی دورانیش و قدرتمند محکم انجام بده و شوخی نگیر. حکومت از مقوله رزم است نه بزم. جدی باش. «وَ التَّاصِحِ اللَّيْبِ» وظایف سیاسی و اجتماعی ات را مانند شخص خیرخواه عاقل انجام بده. دلسوزی به تنهایی فایده ندارد. باید عقل هم باشد. «التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ، الْمُطِيعِ لِأَمَامِهِ»؛ تابع بالادست باش. سلسله مراتب را رعایت کن. «وَ إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ»؛ از کاری که از آن عذرخواهی می کنند بپرهیز. در اینجا منظور از کارهایی است که امثال او باید از آن عذرخواهی کنند. «وَ لَا تَكُنْ عِنْدَ التَّعْمَاءِ بَطْرًا وَ لَا عِنْدَ الْبَأْسَاءِ فَشِيلًا. وَ السَّلَامُ»؛ در خوشی و امنیت، سرمست و مغرور و هنگام سختی و مصیبت سست و ترسو مباش. والسلام.

#### جمع بندی

حضرت از سه نوع کار ما را برحذر داشتند که انجام دادن آن ممکن است ما را به انکار و یا اعتذار وادار کند. این سه کار یک وجه مشترک دارد: انسان نباید هنجارهای جامعه دینی را بشکند. در هر سه می فرماید خودت را با جامعه متدینین تنظیم کن. آنجا که می گوید کاری را بکن که اگر دیگران انجام دهند می پسندی، منظور جامعه متدینین است. آنجا که می گوید اگر کاری را علنی انجام نمی دهی، در خفا هم انجام نده، منظور جامعه متدینین است. ممکن است کاری را انسان بین افراد لابلای انجام دهد و انکار یا عذرخواهی هم نکند.

محور این سه جمله این است: عرف متدینین را زیر پا نگذارید و هنجارشکنی نکنید. این جمع بندی به علاوه روایات دیگر، مبنای یک حکم فقهی هم هست که فقط اشاره می کنم: در بحث عدالت می گویند کسی عادل است که گناه کبیره انجام ندهد و بر گناه صغیره هم اصرار نرزد. برخی از فقها از جمله حضرت امام(ره) یک شرط سوم هم اضافه می کنند و گویند «خلاف مروت هم انجام ندهد» یعنی کاری نکند که در جامعه دینی انگشت نما شود.